

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال پانزدهم، شماره چهارم

زمستان ۱۳۹۳، شماره مسلسل ۶۰

تعارض گزارش‌های آماری در بررسی‌های تاریخی؛

نمونه موردی، شمار زخم‌های امام حسین علیه السلام

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۲۰

تاریخ تأیید: ۹۳/۷/۲۹

* مهران اسماعیلی

** زهرا زکی

تعارض گزارش‌های آماری در بررسی‌های تاریخی، یکی از مسائل دانش تاریخ و به ویژه تاریخ‌نگاری است. این مسئله زمانی اهمیت خواهد یافت که گزارش‌های آماری فراوانی از یک رویداد در دسترس باشد. درباره حادثه کربلا، گزارش‌های آماری فراوانی در منابع یافت می‌شود. یکی از این گزارش‌ها، شمار زخم‌های امام حسین علیه السلام است. براساس استقرای نویسنده، حدود چهارده گزارش آماری در این زمینه ثبت شده است که سازگاری آنها با یکدیگر دشوار است. نویسنده در این مقاله سعی می‌کند با استفاده از روش تاریخ‌گذاری

* عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی.

** کارشناس ارشد تاریخ اسلام از دانشگاه بین المللی اهل بیت علیهم السلام

گزارش و تفکیک گزارش‌های زخم از گزارش‌های پارگی لباس، تعیین لباس امام علیه السلام در صحنه نبرد، بررسی تطبیقی روایت‌های شیخ مفید، ابن اعثم و خوارزمی از لحظات پایانی زندگانی امام حسین علیه السلام و بازسازی صحنه نبرد با تکیه بر روایت شیخ مفید، به گزارش آماری صحیح نزدیک شود.

واژه‌های کلیدی: امام حسین علیه السلام مقتل نگاری، عاشورا، آمار در تاریخ، کربلا.

مقدمه

ارائه گزارش‌های فراوان همراه با سند یا بدون آن از سوی تاریخ‌نگار حدیث‌گرا، خواننده را در میان گزارش‌های متعارض رها می‌کند. به طور معمول این گونه گزارش‌ها در آثار مورخان حدیث‌گرای دوره‌های بعد تکرار می‌شود و به شهرت گزارش می‌افزاید. ردیابی گزارش‌های متون متأخر در منابع پیش از آن، به مرور پژوهش‌گر را به کهن‌ترین اثر شناخته شده ای می‌رساند که گزارش را ثبت کرده است آن‌گاه مشخص می‌شود که گزارش در چه تاریخی تولید شده است.

تاریخ‌گذاری گزارش‌ها، یکی از روش‌های تاریخی است که با مشخص ساختن گزارش‌های متأخر، زمینه لازم را برای ترجیح برخی گزارش‌ها بر گزارش‌های دیگر را ممکن می‌سازد ولی این روش به تنهایی کافی نیست و مشکل تفکیک گزارش‌های درست از نادرست را حل نمی‌کند. این روش به پژوهش‌گر کمک می‌کند گزارش‌ها را بر اساس تاریخ تولید دسته‌بندی کند و گزارش‌های دست اول را نسبت به دست دوم و سوم برگزیند. تاریخ‌نگاری حدیثی کربلا روایت‌های متعددی را درباره زخم‌های امام حسین علیه السلام ارائه می‌کند. در این موضوع، روند انباشتی گزارش‌های متعارض در تاریخ‌نگاری حدیثی از سده ششم تا دوره معاصر، سیری صعودی به خود گرفته است.

با توجه به این که تاریخ‌گذاری گزارش‌ها، گامی برای شناسایی گزارش‌های درست از نادرست است، با مبحث تحریف ارتباط خواهد یافت. شهید مرتضی مطهری در نقد گزارش‌های نادرست به روش ناتوانی بازسازی رویداد، استناد می‌نماید و در بحث آمارهای آن رویداد، به نقد آمار کشته شدگان سپاه عمر بن سعد اکتفا می‌کند.^۱ مطالعات حوزه

تحریف‌شناسی عاشورا از جمله عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف‌شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام (۱۳۸۴) و مجموعه الصحیح من سیره الامام حسین بن علی علیه السلام (۱۴۳۰ق/۲۰۰۹م) به این موضوع پرداختند.^۲ همچنین، محسن رنجبر در فصلی با عنوان واقعه عاشورا در آئینه آمار و ارقام (۱۳۹۱)، پس از ارائه گزارشی کوتاه از گزارش‌های گوناگون، نتیجه می‌گیرد که آمار زخم‌ها بیش از ۱۰۰ زخم بوده است و در تعارض میان گزارش‌های موجود، سازگاری و ادغام گزارش‌ها با یکدیگر یا ترجیح یکی بر دیگری، غیر ممکن است و گزارش‌های متعدد ناظر به فراوانی زخم‌ها است.^۳ در شهادت نامه امام حسین بر پایه منابع معتبر (۱۳۹۱) نیز سعی می‌شود گزارش‌ها بر اساس منابع نخستین، بنابر ترتیب تاریخی ارائه گردند که خود نوعی تاریخ‌گذاری است. هر چند این امر در نهایت به نتیجه مشخصی نمی‌رسد و محصول اثر، باز پذیرش همه گزارش‌ها است.^۴

در مجموعه موسوعه الامام الحسین (۱۳۸۰) فصلی در باب تعداد زخم‌های امام حسین علیه السلام تنظیم شده است که مجموعه‌ای از فیش‌های مرتبط در این زمینه، همراه با ترجمه محتوای آن در پاورقی است و هیچ فرایند پژوهشی یا تلاشی برای تعیین درستی و نادرستی گزارش‌ها انجام نشده است.^۵ همچنین مجموعه مقالات همایش امام حسین علیه السلام (۱۳۸۱) که از سوی مجمع جهانی اهل بیت منتشر شده است و دانشنامه امام حسین علیه السلام (۱۳۸۸/۱۴۳۰ هـ. ق) دارالحدیث، به گزارش‌های آماری حادثه کربلا نمی‌پردازند.^۶

در این مقاله، ابتدا زخم‌های شناخته شده امام حسین علیه السلام در سه روایت ابن اعثم، شیخ مفید و خوارزمی بررسی خواهد شد. در ادامه، گزارش‌های زخم‌های پیکر امام حسین علیه السلام، تمثیل ایشان به خارپشت، امکان شمارش زخم‌ها، گزارش‌های پارگی لباس ایشان، چستی لباس ایشان و در نهایت نتیجه‌گیری خواهد آمد.

زخم‌های شناخته شده بنابر روایت ابن اعثم، شیخ مفید و خوارزمی

برخی از ضربه‌های وارد شده بر پیکر امام حسین علیه السلام به وسیله افراد شناخته شده‌ای

صورت گرفته که نام آنها در منابع ثبت شده است. در این قسمت، ابتدا دو روایت نخستین این واقعه؛ یعنی روایت *الارشاد* شیخ مفید و روایت *الفتوح* ابن اعثم را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم و سپس روایت *مقتل الحسین* خوارزمی را بررسی خواهیم کرد؛ زیرا دیگر منابع متأخر، متأثر از این منابع هستند.

هر دو روایت شیخ مفید و ابن اعثم به ۵ ضربه شناخته شده، اشاره می‌کنند که تنها ضربه شمشیر زرعة بن شریک تمیمی به دست یا شانه چپ امام حسین علیه السلام در میان آنها مشترک است. بنابر روایت شیخ مفید، ابتدا تیری از سوی فردی از قبیله بنی دارم به دهان امام علیه السلام اصابت کرد و سپس ضربه شمشیر مالک بن یسر کنندی بر کلاه خود و سر امام علیه السلام وارد شد که امام علیه السلام آن را پانسمان کردند. پس از آن عبدالله بن حسن به شهادت رسید و دسته تیراندازان وارد عمل شدند. آن‌گاه دو ضربه شمشیر از سوی زرعة بن شریک و فردی دیگر بر پیکر امام علیه السلام اصابت کرد و در نهایت با ضربه نیزه سنان بن انس، ایشان از اسب فرو افتادند که در مجموع ۵ ضربه و به ترتیب یک تیر، یک شمشیر، دو شمشیر و یک نیزه می‌شود.

بنا بر روایت ابن اعثم، ابتدا تیری به پیشانی امام علیه السلام اصابت کرد و سپس حمله دسته تیراندازان روی داد. آن‌گاه شمشیرهای زرعة بن شریک تمیمی، عمرو بن طلحة جعفی و تیر سنان بن انس به بدن امام علیه السلام خوردند و در نهایت با ضربه نیزه صلاح بن وهب، امام علیه السلام از اسب فروافتادند که در مجموع ۵ ضربه و به ترتیب یک تیر، دو شمشیر، یک تیر و یک نیزه می‌شود.

تفاوت دو روایت در زمان و ترتیب هر ضربه، تعداد ضربه‌های تیر و شمشیر و ضاربان آنها است ولی هر دو روایت تعداد ضربه‌ها را ۵ ضربه می‌دانند. خوارزمی که چارچوب اصلی روایت خود را از ابن اعثم گرفته است، تعداد ضربه‌های شناخته شده را به ۱۰ ضربه، شامل ۳ اصابت تیر، ۴ شمشیر، ۲ نیزه و یک سنگ افزایش می‌دهد. سید بن طاووس در اثر خود، *اللهوف* روایت متأخر خوارزمی را ترجیح می‌دهد و ابتدا آن را می‌آورد ولی در

ادامه، روایت شیخ مفید را هم نقل می‌کند.

گزارش‌های آماری زخم‌های پیکر امام حسین علیه السلام

گزارش‌های آماری منابع را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. گزارش‌هایی که درباره زخم‌های بدن ایشان سخن می‌گویند و گزارش‌هایی که درباره آمار پارگی‌های لباس ایشان بر جای مانده است. گزارش‌های زخم‌های بدن امام حسین علیه السلام در بیان جزئیات، یک‌سان نیستند. برخی گزارش‌ها، از تعداد زخم‌های شمشیر، نیزه، تیر و سنگ، آماری تفصیلی ارائه می‌دهند و برخی دیگر، فقط آماری از مجموع زخم‌ها بیان می‌کنند.

گزارش نخست محمد بن سعد: ۳۳ زخم

بنا بر گزارشی که نخستین بار ابن سعد (۲۳۰ هـ. ق) از آن سخن می‌گوید، ۳۳ زخم بر پیکر امام حسین علیه السلام بود.^۷ گزارش ابن سعد، فاقد راوی مشخصی است؛ زیرا وی در باب مقتل امام حسین علیه السلام، راویانی متعدد را در آغاز نام می‌برد و سپس مجموع گزارش‌ها را از زبان خود حکایت می‌کند. همچنین این گزارش، فاقد اطلاعات تفصیلی درباره آمار زخم‌های شمشیر، نیزه و تیر است.

پس از ابن سعد، در کتاب ابن شهر آشوب (۵۸۸ هـ. ق) که گزارش‌های گوناگون را در این باب گردآورده است، به این گزارش اشاره می‌شود در متن ابن شهر آشوب، عبارتی به متن گزارش افزوده شده است تا بیان‌گر آن است که تعداد زخم‌ها بیش از این بوده است. در این باره آمده است:

و گفته شده ۳۳ زخم، بدون محاسبه تیرها.^۸

نویسندگان عصر صفوی چون مجلسی (۱۱۱۱ هـ. ق) و عبدالله بحرانی (۱۱۳۰ هـ. ق) همین گزارش را همراه با افزوده آن از ابن شهر آشوب، نقل می‌کنند.^۹ در دوره قاجاری، ملا آقا دربندی (۱۲۸۵ هـ. ق) این گزارش را به عنوان قول مرجوح نقل می‌کند و محمد تقی سپهر (۱۲۹۸ هـ. ق) در این باره می‌نویسد:

به روایتی بیرون زخم خدنگ، سی و سه زخم برداشت.^{۱۰}

این درحالی است که مؤمن شبلنجی (۱۳۰۸ هـ. ق) تنها به همین روایت استناد

می‌نماید و از آوردن گزارش‌های دیگر صرف‌نظر می‌کند.^{۱۱} احمد بن موسی بن طاووس (۶۷۳هـ. ق) در گزارشی متمایز، که از نظر متن شباهتی به گزارش فوق ندارد اما از نظر آماری با آن یک‌سان است بیان می‌کند که ۳۳ زخم بر سر امام حسین علیه السلام بود.^{۱۲}

گزارش مشهور ابومخنف از امام صادق علیه السلام: ۳۳ زخم نیزه و ۳۴ زخم شمشیر

یکی از شناخته شده‌ترین گزارش‌های زخم‌های امام حسین علیه السلام، خبری است که ابومخنف (۱۵۷هـ. ق) از امام صادق (۱۴۸هـ. ق) روایت می‌کند. بنابر این گزارش، هنگامی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید ۳۳ زخم نیزه و ۳۴ زخم شمشیر بر تن داشت. این خبر به فراوانی در منابع نقل می‌شود. در میان منابع تاریخی، بلاذری (۲۷۹هـ. ق)، طبری (۳۱۰هـ. ق)، مسعودی (۳۴۵هـ. ق)، ابن اثیر (۶۳۰هـ. ق)، نُویری (۷۳۳هـ. ق)، یافعی (۷۶۸هـ. ق)، ابن کثیر (۷۷۴هـ. ق)، مقریزی (۸۴۵هـ. ق) و ابن عماد حنبلی (۱۰۸۹هـ. ق) این گزارش را نقل می‌کنند.^{۱۳}

در این گزارش، آماری از زخم‌های تیر و یا سنگ ارائه نمی‌شود. در میان مورخان، ابن اثیر (۶۳۰هـ. ق) به این نکته توجه می‌کند و از این رو در ادامه گزارش می‌افزاید که این آمار، بدون محاسبه زخم‌های تیر است. ذهبی (۷۴۸هـ. ق) این گزارش را به مضمون نقل می‌کند و می‌نویسد که امام حسین علیه السلام ۶۳ زخم برداشته بود و تفکیکی میان زخم‌های گوناگون نمی‌کند.^{۱۴}

در میان نویسندگان منابع روایی، نخستین فرد، قاضی نعمان مغربی (۳۶۳هـ. ق) از اسماعیلیه است که این روایت را از طریق ابن ابی ایسر از پدرش به امام صادق علیه السلام می‌رساند و بر خلاف دیگر روایان، تعداد زخم‌های شمشیر را بیش از ۳۴؛ یعنی ۴۴ زخم می‌داند که روایتی نادر در این باب به شمار می‌آید و روایان او چندان شناخته شده نیستند.^{۱۵} به تبع او، ابوطالب زیدی (۴۲۴هـ. ق) بدون بیان سند، به این گزارش اشاره می‌کند و تعداد زخم‌های شمشیر را ۴۴ زخم می‌داند ولی در متون روایتی اثناعشریه، تعداد زخم‌های شمشیر، همان ۳۳ زخم باقی مانده است. دیگر منابع زیدیه چون *الحدائق الوردیه*

از ابوالحسن محلی (۶۵۲ هـ. ق)، تعداد زخم‌های شمشیر را ۳۴ زخم معرفی می‌کنند.^{۱۶} در منابع روایی متقدم شیعه اثنا عشریه، همانند آثار کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی و سید رضی این گزارش با وجود شهرتش نیامده است و نخستین بار، محمد بن جریر طبری شیعی در قرن پنجم این خبر را نقل می‌کند.^{۱۷} در منابع روایی سده ششم، خوارزمی (۵۶۸ هـ. ق) و ابن شهر آشوب (۵۸۸ هـ. ق) به نقل از طبری و در سده هفتم، ابن نما حلی (۶۴۵ هـ. ق)، سبط بن جوزی (۶۵۴ هـ. ق)، شرف الدین موصلی (۶۵۷ هـ. ق)، ابن طاووس (۶۶۴ هـ. ق) و جمال الدین عاملی (۷۰۰ هـ. ق) این گزارش را آورده‌اند. در عصر صفویه، کرکی حائری (۱۰۰۰ هـ. ق)، تستری (۱۰۱۹ هـ. ق)، سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ هـ. ق)، مجلسی (۱۱۱۱ هـ. ق) و شاگرد وی عبدالله بحرانی (۱۱۳۰ هـ. ق) و در عصر قاجار، ملا آقا دربندی (۱۲۸۵ هـ. ق) و محمد تقی سپهر (۱۲۹۸ هـ. ق) این خبر را نقل می‌کنند.^{۱۸}

در میان مورخان، تنها طبری و ابن کثیر بر اساس روش حدیثی خود، به هر دو راوی خبر اشاره می‌کنند. در منابع روایی هم، تنها ابن شهر آشوب و آن هم به جهت استنادش به تاریخ طبری، به ابومخنف و روایت او از امام صادق علیه السلام اشاره می‌کند و از همین رو، منابع عصر صفویه که این خبر را از او نقل می‌کنند، به راویان خبر اشاره می‌کنند ولی در دیگر منابع روایی از ابومخنف یا هر دو راوی، اثری نیست.

در تمامی این گزارش‌ها، عبارت «وَجِدَ» به معنای یافته شد، به کار رفته است که حکایت از ناشناخته بودن شمارنده زخم‌ها دارد ولی ابن شهر آشوب و ابن کثیر که گزارش خود را از تاریخ طبری گرفته‌اند، از عبارت «وَجَدْنَا» استفاده می‌کنند که بیان‌گر آن است که امام جعفر صادق علیه السلام یا بستگانش، این تعداد زخم را دیده یا شمرده‌اند. از همین روی منابع شیعی عصر صفوی، چون بحار الانوار و عوالم العلوم و المعارف و الاحوال عبدالله بحرانی عبارت «وجدنا» را ثبت کرده‌اند. با این حال، این گزارش در نسخه‌های چاپ شده تاریخ طبری با تعبیر «وجد» به کار رفته است.

مشابهت «نا» و «با» و مقاربت این دو در عبارت «وَجَدْنَا بالحسین» می‌تواند موجب

افتادگی یا افزودگی یکی از «نا» یا «با» شده باشد و زمینه خطای نسخه نویسان را فراهم آورده باشد. بر این اساس، نمی‌توان در این باره که شمارش زخم‌های امام حسین علیه السلام به وسیله خاندان او صورت گرفته است، به این خبر تکیه کرد؛ زیرا مشخص نیست که عبارت «وجدنا بالحسین» درست بوده یا عبارت «وجد بالحسین».

نکته دیگر قابل توجهی که پیرامون تفاوت نسخه‌های این خبر در منابع گوناگون، وجود دارد، آن است که در همه این گزارش‌ها، تعداد زخم‌های نیزه یک‌سان است ولی برای تعداد زخم شمشیر، اعداد متفاوتی بیان می‌شود. قاضی نعمان مغربی و ابوطالب زیدی، زخم‌های شمشیر را ۴۴ و جمال الدین عاملی ۲۴ زخم می‌دانند اما با توجه به نقل یک‌سان این گزارش در منابع متعدد، بعید به نظر می‌رسد که روایت قاضی نعمان یا جمال الدین عاملی دارای اصالت باشند و به احتمال فراوان، برگرفته از تصحیف و اشتباه نسخه‌نویسان است.

گزارش خوارزمی: ۷۲ زخم

در گزارش فاقد سندی که خوارزمی (۵۶۸هـ. ق) برای نخستین بار روایت می‌کند، آمده است:

امام حسین علیه السلام آن قدر جنگید تا این که ۷۲ زخم برداشت و نبرد سنگین، وی را خسته و ناتوان ساخته بود. هنگامی که برای اندکی استراحت، توقف کرده بود، سنگی به پیشانی امام اصابت کرد و خون جاری شد. لباس خود را بلند کرد تا خون را با آن پاک کند که ناگاه تیری سه شعبه و مسموم بر قلب وی نشست.^{۱۹}

گزارش خوارزمی فاقد اطلاعات جزئی و تفصیلی درباره جراحات‌های شمشیر، نیزه و تیر است. پس از خوارزمی، ابن نما حلی (۶۴۵هـ. ق) و ابن طاووس (۶۶۴هـ. ق) این گزارش را از خوارزمی نقل می‌کنند.^{۲۰} این خبر در سایر منابع گزارش نمی‌شود تا این که در عصر صفویه، مجلسی (۱۱۱۱هـ. ق)، سید نعمت الله جزایری (۱۱۱۲هـ. ق) و عبدالله بحرانی (۱۱۳۰هـ. ق) و در عصر قاجار، ملاآقا دربندی (۱۲۸۵هـ. ق) و محمد تقی

سپهر (۱۲۹۸ هـ. ق) آن را نقل می‌کنند.^{۲۱} ملاحسین کاشفی (۹۱۰ هـ. ق) که تنها به گزارش ۷۲ زخم بسنده کرده است، گزارش خود را با ۲ ضربه زرعه بن شریک و سنان بن انس به پایان می‌برد.^{۲۲}

گزارش معاذ بن مسلم از امام صادق علیه السلام: بیش از ۷۰ زخم شمشیر

بنابر روایت معاذ بن مسلم، امام صادق علیه السلام فرمود که بر بدن امام حسین علیه السلام بیش از ۷۰ زخم شمشیر بود. این روایت را نخستین بار، شیخ طوسی (۴۶۰ هـ. ق) از احمد بن عبدون از ابن زبیر از علی بن حسن فضال از عباس از ابی‌عمار از معاذ بن مسلم نقل می‌کند.^{۲۳} مجلسی و ملا عبدالله بحرانی نیز این روایت را از همین طریق نقل می‌کنند ولی می‌افزایند که علاوه بر ۷۰ زخم شمشیر، بیش از ۷۰ زخم نیزه برداشته بود.^{۲۴} به طور دقیق، مشخص نیست که نسخه امالی طوسی افتادگی داشته یا آن که در استنساخ آن، مجلسی دچار اشتباه شده است.

گزارش نسب‌شناسان: ۷۰ زخم مطلق

مجدی، نسب شناس قرن پنجم در شرح حال امام حسین علیه السلام می‌گوید که در روز عاشورا در حالی که ۷۰ زخم برداشته بود به شهادت رسید.^{۲۵} دیگر نسب شناس، یعنی ابن عنبه (۸۲۸ هـ. ق) همین گزارش را نقل می‌کند.^{۲۶}

گزارش منسوب به امام باقر علیه السلام: بیش از ۳۲۰ زخم

گزارشی منسوب به امام باقر علیه السلام در اختیار است که بنابر آن، امام حسین علیه السلام در حالی شهید شد که بیش از ۳۲۰ زخم بر تن داشت. این گزارش، نخستین بار به وسیله شیخ صدوق (۳۸۶ هـ. ق) با چهار واسطه از امام باقر علیه السلام نقل شده است.^{۲۷} در ادامه به این روایت افزوده شده است که همه این زخم‌ها در جلو بدن حضرت بود؛ زیرا او هرگز به دشمن پشت نمی‌کرد. در این گزارش، تنها به برآیند زخم‌ها اشاره می‌شود و آمار تفکیک یافته از زخم‌های شمشیر، نیزه و تیر ارائه نمی‌گردد.

پس از شیخ صدوق، قاضی نعمان مغربی (۳۶۳ هـ. ق) گزارش صدوق را نقل می‌کند.^{۲۸} در سده ششم، فتال نیشابوری (۵۰۸ هـ. ق)، شیخ طبرسی (۵۴۸ هـ. ق) و ابن شهر

أشوب(۵۸۸هـ.ق) همان گزارش را نقل می‌کنند.^{۲۹} کرکی حائری(ق.۱۰)، هاشم بحرانی(۱۱۰۷هـ.ق)، مجلسی(۱۱۱۱هـ.ق)، سید نعمت الله جزایری(۱۱۱۲هـ.ق) و عبدالله بحرانی(۱۱۳۰هـ.ق) در دوره صفویه به نقل این گزارش می‌پردازند.^{۳۰} در عصر قاجار هم ملاآقا دربندی(۱۲۸۵هـ.ق) و محمد تقی سپهر(۱۲۹۸هـ.ق) این گزارش را بیان می‌کنند.^{۳۱} عمده منابع متأخر به سند این روایت اشاره‌ای نمی‌کنند. سید نعمت الله جزایری در پایان گزارش می‌افزاید که «زره امام مانند خارپشت شده بود» و به این وسیله، توجه خواننده را به زخم‌های تیر جلب می‌کند.

از نظر سند، شیخ صدوق این روایت را از سعد بن عبدالله اشعری قمی(حدود۳۰۰هـ.ق) که به وثاقت شهره است، گرفته است.^{۳۲} سعد بن عبدالله نیز این روایت را از محمد بن عیسی بن عبدالله اشعری و وی از محمد بن خالد برقی از طبقه امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم‌السلام دریافت کرده است که دیدگاه‌ها درباره دو راوی اخیر متفاوت است. گفته می‌شود برقی را به خاطر نسبت روایت‌های نادرست به اهل بیت علیهم‌السلام از قم بیرون کردند.^{۳۳}

به هر حال طریق سعد بن عبدالله از احمد بن عیسی از محمد بن خالد برقی، طریق شناخته شده‌ای است و نمونه‌های دیگری نیز دارد. برقی روایت را از داود بن ابی یزید (یا زید) از طبقه امام هادی علیه‌السلام و امام عسکری علیه‌السلام نقل می‌کند و داود بن ابی یزید این روایت را از سه نفر که همگی آن را از امام باقر علیه‌السلام شنیده‌اند روایت می‌کند؛ یعنی عبدالله بن بکیر بن اعین، برید بن معاویه (عجلی) و ابوالجارود. عبدالله بن بکیر ثقه و از اصحاب اجماع است و برید بن معاویه ثقه است ولی ابوالجارود زیاد بن منذر به جهت گرایش به زید بن علی و انتساب فرقه جارودیه به او مورد تردید است.^{۳۴}

اشکال عمده سند این گزارش آن است که در منابع شناخته شده شیعه، طریق راویان نخست (ابی بکیر، برید بن معاویه، ابوالجارود) به راوی دوم؛ یعنی داود بن ابی یزید طریق نادری بوده است و منحصر به همین روایت ۳۲۰ زخم امام حسین علیه‌السلام است و شیخ صدوق توجه نداشته که روایت‌های داود بن ابی یزید اندک بوده است و وی که از طبقه

امام هادی علیه السلام است، چگونه می‌تواند از برقی که از طبقه امام کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام است، روایتی نقل کند.

برخی محققان در نقد گزارش بیش از ۳۲۰ زخم شیخ صدوق، دچار خطای محاسباتی شده‌اند و می‌گویند که اگر هر زخم را یک سانتی‌متر مربع در نظر بگیریم، ۳۲۰ زخم، مساحتی بیش از سه مترمربع را در بر می‌گیرد و بدن انسان هر قدر هم که تنومند باشد، به این میزان وسعت ندارد تا چه رسد به این که فقط جلوی بدن وی این مقدار مساحت داشته باشد^{۳۵} در حالی که ۳۲۰ سانتی‌متر مربع معادل با مستطیلی به طول ۲۰ و عرض ۱۶ سانتیمتر خواهد بود و سطح پوست هر مرد، بالغ بر ۱۸۰۰۰ سانتیمتر مربع است^{۳۶} و چنانچه هر زخم یک سانتی متر مربع در نظر بگیریم که البته بیشتر از آن است، پوست بدن هر مرد، توانایی دریافت ۱۸۰۰۰ زخم را دارد.^{۳۷}

گزارش اول ابن شهر آشوب: ۳۶۰ زخم

گزارشی کوتاه در اختیار است که از ۳۶۰ زخم بر پیکر امام حسین علیه السلام خبر می‌دهد و نخستین بار، بدون سند و به وسیله ابن شهر آشوب (۵۸۸ هـ. ق) ارائه شده است.^{۳۸} بنابر این گزارش، گفته می‌شود که ۳۶۰ زخم در پیکر امام حسین علیه السلام یافت شد. این گزارش فاقد آماری تفکیکی از زخم‌های شمشیر، نیزه، تیر و سنگ است. پس از وی، تنها در عصر صفویه، مجلسی (۱۱۱۱ هـ. ق) و عبدالله بحرانی (۱۱۳۰ هـ. ق) و در عصر قاجار، ملا آقا دربندی (۱۲۸۵ هـ. ق) و سپهر (۱۲۹۸ هـ. ق) این خبر را نقل می‌کنند.^{۳۹} این گزارش در هیچ منبع دیگری ثبت نشده است.

گزارش دوم ابن شهر آشوب: ۱۹۰۰ زخم

گزارش دوم ابن شهر آشوب (۵۸۸ هـ. ق) که فاقد سند و پیشینه است بیان‌گر ۱۹۰۰ زخم بر بدن امام حسین علیه السلام است. بنابر این گزارش، امام حسین علیه السلام در نبرد خویش، ۱۹۰۰ زخم برداشت و تیرهای برخورد کرده با زره امام حسین علیه السلام چون خارهای خارپشت بود.^{۴۰} در این گزارش جزئیات تفصیلی آمار زخم‌های نیزه، شمشیر و تیر نیامده است. در ادامه این روایت افزوده می‌شود که گویا همه این جراحت‌ها از جلو بر امام علیه السلام وارد شده

بود. این تعبیر در امالی شیخ صدوق، در روایت ۳۲۰ زخم، بیان شده بود اما مشخص نیست که افزوده خود او است یا ناسخان دوره‌های بعد، آن را افزوده‌اند. در صورتی که این سخن از خود او باشد، این شهر آشوب چنین تعابیری را از وی وام گرفته است. پس از این شهر آشوب، کرکی حائری (ق. ۱۰) و سپس مجلسی (۱۱۱ هـ. ق)، سید نعمت الله جزایری (۱۱۱۲ هـ. ق) و عبدالله بحرانی (۱۱۳۰ هـ. ق) این گزارش را نقل می‌کنند.^{۴۱} در عصر قاجار نیز، ملا آقا دربندی (۱۲۸۵ هـ. ق) و محمد تقی سپهر (۱۲۹۸ هـ. ق) این خبر را بیان می‌کنند.^{۴۲}

گزارش ملا آقا دربندی: ۱۸۰ زخم

ملا آقا دربندی (۱۲۸۵ هـ. ق) از کتاب عیون الحیات نقل می‌کند که گزارشی هست که ۴۰۰۰ زخم تیر، ۱۸۰ زخم شمشیر و سنان بر تن او بود.^{۴۳} کتابی با عنوان عیون الحیات در زمینه تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام شناخته شده نیست. تنها اثری که در منابع با نام عیون الحیات ثبت شده است، اثری است در عرصه طب.^{۴۴} در میان عناوین مشابه، معروف‌ترین کتابی که با عنوان عین الحیات (مفرد عیون) شناخته می‌شود، کتابی است فارسی از محمد باقر مجلسی که در زمینه اخلاق و عرفان اسلامی نوشته شده است و ترجمه و شرح سفارش‌ها و توصیه‌های اخلاقی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ابوذر غفاری است که بنابر نظر مصحح، هدف از نگارش کتاب آن بوده است که توده مردم را با عرفان صحیح آشنا سازد و آنان را از عرفان‌های آمیخته با عناصر غیر اسلامی بازدارد.^{۴۵}

امکان شمارش زخم‌ها

درباره شمارش زخم‌ها ممکن است گفته شود که چه کسی، با چه دقتی و با کدام انگیزه، زخم‌های امام حسین علیه‌السلام را شمرده است و با توجه به شرایط نبرد، چگونه این امر روی داده است. در پاسخ می‌توان گفت که شمارش زخم‌ها در میان عرب رواج داشته است و به طور معمول آماری از زخم‌های افرادی که زخم‌های فراوانی برمی‌داشتند، ارائه می‌شد. نخستین نمونه‌ای که در تاریخ صدر اسلام می‌توان به آن اشاره کرد، آمار زخم‌های انس بن نضر انصاری است که در نبرد احد، سرسختانه مقاومت کرد و به شهادت رسید.

قریشیان که در این نبرد درصدد قصاص خون‌های ریخته شده خود در نبرد بدر بودند، خشونت فراوانی نشان دادند و بر پیکر انس بن نصر انصاری بیش از ۷۰ یا ۸۰ زخم برجای مانده بود که پس از شهادت آن را شمردند.^{۴۶}

هم‌چنین درباره زخم‌های جعفر بن ابی طالب، فرمانده مسلمانان در نبرد موهه علیه بیزانس، گزارش می‌شود که بین سینه و زانوهاش، اثر ۹۰ زخم و بنا بر گزارش‌های دیگر ۶۰ یا ۷۲ زخم مشاهده شد.^{۴۷} هم‌چنین درباره رستم فرمانده سپاه ساسانیان در نبرد سرنوشت ساز قادسیه در سال ۱۴ هجری گفته می‌شود که ۱۰۰ زخم شمشیر و نیزه برداشته بود.^{۴۸} از این رو، شمارش زخم‌ها نه تنها ممکن بوده است، بلکه در عمل، این کار اتفاق می‌افتاد. تفاوتی که میان رویداد عاشورا و دیگر نبردهای عرب مشاهده می‌شود، آن است که در نبرد عاشورا، پس از پایان نبرد و غارت خیمه‌ها بر پیکر امام حسین علیه السلام اسب دوآیندند تا خشونت خود را به بیشترین قدر ممکن افزایش دهند. گفته می‌شود در اثر این رویداد، استخوان‌های سینه و کمر امام حسین علیه السلام همانند آرد نرم شد.^{۴۹} ممکن است چنین گزارشی اغراق آمیز باشد ولی در هر صورت امکان شمارش زخم‌ها پس از این اتفاق تا حدود زیادی کاهش یافت.

گزارش‌های پارگی لباس امام حسین علیه السلام

علاوه بر گزارش‌های زخم‌های بدن امام حسین علیه السلام، گزارش‌های دیگری در اختیار است که بیان‌گر پارگی‌های لباس ایشان است. در این گزارش‌ها، آمار پارگی‌های ناشی از شمشیر، نیزه یا تیر به تفکیک موجود نیست و فقط به مجموع پارگی‌ها اشاره می‌شود.

گزارش سید بن طاووس: ۱۸۰ پارگی

این گزارش را برای نخستین بار ابن طاووس (۶۶۴ هـ. ق) از کتاب *الانوار ابوالقاسم* صاحب بن عبّاد نقل می‌کند که بر اساس آن، بر اثر ضربه تیر، نیزه، شمشیر و سنگ، روپوش زمستانی حضرت علیه السلام ۱۸۰ پارگی پیدا کرده بود.^{۵۰} البته کتاب *الانوار* صاحب بن عبّاد، کتاب ناشناخته‌ای است و تنها گزارش وجود چنین اثری از صاحب بن عبّاد، همین گزارش ابن طاووس است.^{۵۱} لیبیب بیضون در گزارشی ناشناخته از ابومخنف که آن را از

نسخه‌ای خطی با عنوان *مصراع الحسین* از کتابخانه الاسد دمشق نقل می‌کند، بیان می‌نماید که بنا بر روایت ابومخنف، ۱۸۰ تیر به جبّه امام حسین علیه السلام اصابت کرد که از میان آنها، ۶۲ تیر بدن ایشان را شکافت.^{۵۲}

گزارش دوم محمد بن سعد: بیش از ۱۱۰ پارگی لباس

بنا بر گزارش دوم ابن سعد (۲۳۰ هـ. ق)، در اثر ضربات شمشیر، نیزه و تیر، ثوب امام حسین علیه السلام در بیش از ۱۱۰ جا پاره شده بود. مشخص نیست که ابن سعد این روایت را از چه کسی نقل می‌کند؛ زیرا وی در باب مقتل امام حسین علیه السلام، راویان گوناگونی را در آغاز نام می‌برد و سپس مجموع گزارش‌ها را از زبان خود حکایت می‌کند.^{۵۳}

پس از ابن سعد (۲۳۰ هـ. ق)، ابوطالب زیدی (۴۲۴ هـ. ق)، طبری شیعی (ق. ۵) و سپس خوارزمی (۵۶۸ هـ. ق) و در سده هفتم، ابن نما حلی (۶۴۵ هـ. ق)، ابوالحسن محلی (۶۵۲ هـ. ق)، علی بن موسی بن طاووس (۶۶۴ هـ. ق)، احمد بن موسی بن طاووس (۶۷۳ هـ. ق) و جمال الدین عاملی (ق. ۷) و در عصر صفویه، هاشم بحرانی (۱۱۰۷ هـ. ق)، مجلسی (۱۱۱۱ هـ. ق) و عبدالله بحرانی (۱۱۳۰ هـ. ق)، و در عصر قاجار، سپهر (۱۲۹۸ هـ. ق) این گزارش را نقل می‌کنند.^{۵۴} ابن جوزی (۶۵۴ هـ. ق) ضمن نقل این گزارش، همگی آنها را محدود به تیر می‌داند.^{۵۵}

قاضی نعمان مغربی (۳۶۳ هـ. ق) این خبر را با برخی افتادگی‌ها و تغییرات به شکل سندی مرسل از زبیر بن بکار (۲۵۶ هـ. ق) از شعبی (۱۰۳ هـ. ق) گزارش می‌کند. در گزارش او، عبارت ثوبه افتاده است و چنین برداشت می‌شود که وی در صدد بیان آمار زخم‌های پیکر امام حسین علیه السلام است^{۵۶} در حالی که تتبع در منابع نشان می‌دهد که خبر وی، همان خبر ابن سعد است.^{۵۷}

گزارش جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام: ۶۳ پارگی لباس

بنا بر گزارش جابر از امام باقر علیه السلام (۱۱۴ هـ. ق) که نخستین بار کلینی (۳۲۹ هـ. ق) آن را با پنج واسطه نقل می‌کند، روایت می‌شود:

امام حسین علیه السلام به قتل رسید در حالی که جبّه خز بر تن داشت که در آن ۶۳

ضربه ناشی از تیر، نیزه و شمشیر را مشاهده کردند.^{۵۸}

پس از کلینی و در سده‌های میانی، این روایت در منابع روایی و مقتل نگاری‌های شناخته شده، ثبت نشده است تا این‌که در نهایت در عصر صفویه، شیخ حر عاملی (۱۱۰۴ هـ. ق)، سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ هـ. ق)، مجلسی (۱۱۱۱ هـ. ق) و عبدالله بحرانی (۱۱۳۰ هـ. ق) به نقل این گزارش می‌پردازند.^{۵۹}

این روایت را کلینی از ابوعلی اشعری از محمد بن سالم از احمد بن نصر از عمرو بن شمر از جابر نقل می‌کند. این سند با ابهام‌هایی همراه است؛ زیرا ۱۴ نفر با نام جابر، ۷ نفر با نام محمد بن سالم و دو نفر با نام ابوعلی اشعری در فهرست راویان شیعه وجود دارند و تشخیص راویان این خبر در میان این افراد دشوار است ولی سلسله سند روایت مذکور، در متون روایی شیعه، سلسله سند شناخته شده‌ای است و در ۲۵ روایت کافی، ۷ روایت التهذیب و ۳ روایت الاستبصار به چشم می‌خورد.^{۶۰} بر این اساس سند این روایت این‌گونه است: ابوعلی احمد بن ادریس اشعری (۳۰۶ هـ. ق)، محمد بن سالم، ابوالحسن احمد بن النضر جعفی خزاز، عمرو بن شمر جعفی و در نهایت جابر بن یزید جعفی. در میان راویان این سند، ابوعلی اشعری، ثقه، محمد بن سالم مجهول، احمد بن نصر ثقه، عمرو بن شمر بسیار ضعیف و جابر بن یزید جعفی بر اساس برخی اظهار نظرها ضعیف است.^{۶۱}

گزارش امام سجاد علیه السلام: ۴۰ پارگی لباس

بنابر گزارشی از علی بن الحسین علیه السلام (۹۸ هـ. ق) امام حسین علیه السلام به هنگام شهادت، جبّه خز بر تن داشت که در اثر برخورد شمشیر و نیزه از ۴۰ جا پاره شده بود. این روایت را نخستین بار، قاضی نعمان مغربی (۳۶۳ هـ. ق) بدون ارائه سند، نقل می‌کند.^{۶۲} در منابع بعدی از این گزارش اثری نیست تا این‌که در دوره معاصر، تنها میرزای نوری (۱۳۲۰ هـ. ق) آن را نقل می‌کند.^{۶۳}

از آن‌جا که در منابع روایی سده سوم، چهارم و پنجم هجری قمری، توجه چندانی به آمار زخم‌های امام حسین علیه السلام نشده است، به نظر می‌رسد اندک بودن آمار در این گزارش، مانع نقل آن از سوی ابن شهر آشوب و در نتیجه نقل آن در منابع متأخر اثناعشریه شده

است. این در حالی است که این گزارش، تنها گزارشی است که از علی بن حسین علیه السلام، یکی از شاهدان حادثه روز عاشورا نقل می‌شود و بنابر متن گزارش، خود ایشان، آن پارگی‌ها را شمرده است. گویا جِبَّة غارت شده امام حسین علیه السلام در همان ایام یا در روزگار مختار، به ایشان بازگردانده می‌شود.

لباس امام حسین علیه السلام

بحث دیگری که ذیل گزارش‌های پارگی لباس امام حسین علیه السلام قابل طرح است، تفاوتی است که گزارش‌ها از لباس امام حسین علیه السلام ارائه می‌کنند. به عبارت دیگر، اخباری که زخم‌های پیکر امام حسین علیه السلام را بر اساس پارگی‌های لباس آن حضرت علیه السلام می‌شمارند، از واژگان واحدی برای اشاره به لباس آن حضرت علیه السلام استفاده نمی‌کنند. در روایت ابن سعد به بیش از ۱۱۰ پارگی ثوب اشاره می‌شود. ابن جوزی (۶۵۴هـ. ق) هم همین واژه را به کار می‌برد در حالی که راویان گزارش از ابن سعد، چون خوارزمی، ابن نما و ابن طاووس از واژه قمیص و دیگران از جمله ابوطالب زیدی، قاضی نعمان مغربی به روایت شعبی، طبری شیعی، ابوالحسن محلی، جمال الدین عاملی، تعابیری چون «جِبَّةُ خَزَّ دَكْنَاء» یا «جِبَّةُ دَكْنَاء» یا «جِبَّة» را به کار می‌برند. هم‌چنین در گزارش امام سجاد علیه السلام به ۴۰ پارگی و در گزارش امام باقر علیه السلام به ۶۳ پارگی «جِبَّةُ خَزَّ دَكْنَاء» اشاره می‌شود.^{۶۴} به نظر می‌رسد جای‌گزینی واژه ثوب با تعبیر «جِبَّةُ خَزَّ دَكْنَاء» در روایت ابن سعد، نخستین بار در آثار قاضی نعمان (۳۶۳هـ. ق) نمود یافته است و پس از آن است که ابوطالب زیدی (۴۲۴هـ. ق)، طبری شیعی (۵. ق)، ابوالحسن محلی (۶۵۲هـ. ق) و جمال الدین عاملی (۷. ق) از همین تعابیر استفاده می‌کنند ولی جای‌گزینی واژه قمیص با واژه ثوب، نخستین بار به وسیله خوارزمی (۵۶۸هـ. ق) صورت می‌گیرد و ابن نما (۶۴۵هـ. ق)، ابن طاووس (۶۶۴هـ. ق) تحت تأثیر مقتل وی، همین واژه را به کار می‌برند. از این رو، تنها دو گزارش امام سجاد علیه السلام در *دعائم الاسلام* و گزارش امام باقر علیه السلام در *کافی کلینی*، تنها گزارش‌هایی هستند که از آغاز تعبیر «جِبَّةُ خَزَّ دَكْنَاء» را به کار می‌برند.

قمیص یکی از عناصر اصلی لباس مردانه و زنانه در زمان پیامبر ﷺ به شمار می‌رفت و می‌توان آن را مترادف ثوب دانست^{۶۵} ولی جبه در سده اول هجری، لباسی قیمتی و جلوبسته ای بود که بلندی آن تا بالای زانو می‌رسید و از پشم، پوست یا خز تهیه می‌شد و در فصل سرما بر روی دیگر لباس‌ها به تن می‌کردند و لباس فاخری به شمار می‌آمد. شواهد نشان می‌دهد که پیامبر ﷺ و بسیاری از امامان شیعه، جُبّه می‌پوشیدند.^{۶۶} بنابر روایت امام صادق علیه السلام، عبدالله بن عباس، سفیر ارسالی امام علی علیه السلام نزد خوارج با بهترین پوشش خود و درحالی که جُبّه خَز بر تن داشت در میان آنان ظاهر شد.^{۶۷} واژه خَز در روایت‌های مورد اشاره، بیان‌گر آن است که جُبّه‌ای که امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به تن داشت از پوست سمور تهیه شده بود.^{۶۸} عبارت دکناء در گزارش‌های فوق، حکایت از رنگ آن جُبّه دارد. دکناء به قرمز تیره‌ای گفته می‌شود که به سیاهی می‌زند.^{۶۹} این درحالی است که واژه ثوب در گزارش ابن سعد، به معنای لباس عربی بلندی است که تمامی بدن تا قسمت‌های پایین پا را می‌پوشاند.^{۷۰}

هم‌چنین گزارش‌هایی که حکایت از آن دارد که امام حسین علیه السلام، لباس‌های خود را پاره کرده بود، تا دشمنان به آن طمع نکنند، ناقض دو روایت بالا نیستند؛ زیرا امام حسین علیه السلام از به غارت رفتن جُبّه که لباسی فاخر بود اطمینان داشت ولی از آن نگران بود که پیکرش را عریان کنند از این رو لباسی طلبید که زیر دیگر لباس‌هایش بیوشد و آن لباس زیرین را چنان پاره کرد که کسی بدان طمع نکند.

تمثیل به خارپشت

شیخ مفید (۴۱۳ هـ. ق) نخستین فردی است که در گزارش خود، امام حسین علیه السلام را به خارپشت تشبیه می‌کند. این تشبیه ناظر به حمله دسته تیراندازان به امام حسین علیه السلام است که امروزه کمتر به آن پرداخته می‌شود. شیخ مفید پس از اشاره به زخم‌های ناشی از تیر فردی دارمی و پانسمان آن هم‌چنین ضربه مالک بن یسر کندی به کلاه خود و سر ایشان به صراحت می‌گوید که هنگامی که شمر دریافت از عهده مبارزه با امام علیه السلام بر نمی‌آید،

دسته تیراندازان را فراخواند و دستور تیر داد. آن‌گاه بود که ایشان هم‌چون خاریشت شد و دست از حمله برداشت و سپس در اثر ۳ ضربه دیگر از اسب فروافتاد. بنابر این گزارش، آن‌چه امام علیه السلام را از توان انداخت، زخم‌های دسته تیراندازان بود.

گزارش ابن اعثم نیز از این جهت که میان زخم‌های شناخته شده، دسته تیراندازان وارد عمل شدند، شبیه روایت شیخ مفید است. بنابراین روایت، پس از ضربه تیر ابوالحتوف جعفی به امام علیه السلام بود که تیرها از هر سو امام علیه السلام را فراگرفتند. در این روایت به توقف امام علیه السلام از نبرد اشاره‌ای نمی‌شود ولی فریادهای شمر گویای همین امر است. او فریاد می‌زد:

برای چه دست از نبرد شسته و ایستاده‌اید؟ تیرها او را به بند کشیده‌اند. به او

حمله کنید.

این درحالی است که در روایت خوارزمی برای نخستین بار به تیر سه شعبه اشاره می‌شود و بر تأثیر آن، بر ناتوانی امام علیه السلام و توقف ایشان از نبرد تأکید بیشتری صورت می‌گیرد و حمله دسته تیراندازان به حاشیه رانده می‌شود.^{۷۱} به هر حال در هر سه روایت، بر زخم‌های تیر، خواه تیر سه شعبه یا دسته تیراندازان توجه کافی می‌شود. بر این اساس، پذیرش روایت‌هایی که آمار زخم‌ها را ارائه می‌کردند با مشکل روبه‌رو می‌شود.

از جمله این گزارش‌ها می‌توان به گزارش مشهور منسوب به ابو مخنف (۳۳ زخم شمشیر و ۳۴ زخم نیزه) و هم‌چنین ۷۰ زخم شمشیر منسوب به معاذ بن سالم از امام صادق علیه السلام اشاره کرد. علاوه بر این که برتری مطلق آمار زخم‌های تیر بر زخم‌های شمشیر و نیزه دلالتی دیگر همراه خود دارد. اگر زخم‌های شمشیر یا نیزه، آماری بیشتر داشتند، این بدان معنا بود که سپاهیان عبیدالله از شجاعت و رزم‌آوری کافی برخوردار بوده‌اند ولی غلبه آمار زخم‌های تیر، بیان‌گر آن است که امام حسین علیه السلام با شجاعت، دلاوری و خستگی‌ناپذیری به آنان یورش می‌برد و آنان که همواره از برابر او می‌گریختند، جز استفاده از دسته تیراندازان، چاره‌ای دیگر در برابر خود نمی‌دیدند. به هر حال، تمثیل

خارپشت به عنوان شاخص روایت شیخ مفید در آثار نویسندگان متأخر انعکاس یافته است. فتال نیشابوری (۵۰۸ هـ. ق) در آغاز دوره دوم تدوین حدیث شیعه، نخستین فردی است که گزارش‌های گوناگون شهادت امام حسین علیه السلام از جمله روایت شیخ مفید را گردآوری می‌کند. طبرسی (۵۴۸ هـ. ق) در *اعلام الوری* به روایت شیخ مفید بسنده می‌کند ولی در *تاج الموالید*، آن را با گزارش دیگری ادغام می‌نماید و از این جهت، اولین فردی است که تلاش می‌کند با ترکیب گزارش‌ها در یک روایت، از همگی آنها بهره جوید. پس از آنان، جمال الدین عاملی (ق. ۷۰) روایت شیخ مفید را گزارش می‌کند^{۷۲} ولی در صفحاتی بعد، گزارش ۶۳ زخم ابومخنف و دو گزارش از پارگی‌های لباس امام حسین علیه السلام نقل می‌نماید.

لایه‌های خفیفی از روایت شیخ مفید را در روایت خوارزمی می‌توان یافت ولی خوارزمی خود، روایتی متفاوت را ارائه می‌کند که شاخصه آن، تیر سه شعبه است. ابن طاووس (۶۶۴ هـ. ق) در *اللهوف*، در روایت لحظات پایانی امام حسین علیه السلام، ابتدا گزارش نوظهور خوارزمی و سپس گزارش شیخ مفید و تعبیر خارپشت را نقل می‌کند.^{۷۳}

نتیجه

درباره آمار زخم‌های امام حسین علیه السلام، گزارش‌های دوره نخست عصر تدوین حدیث شیعه به روایت‌های ابن اعثم و شیخ مفید و گزارش‌هایی از کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی محدود می‌شود. در دوره میانی تدوین حدیث شیعه، روایت خوارزمی نیز افزوده می‌شود و دیگر نویسندگان جز گردآوری گزارش‌ها و ادغام برخی روایت‌ها یا گزارش‌ها با روایت‌ها و گزارش‌های دیگر، تلاش دیگری جهت ارزیابی داده‌های تاریخی نمی‌کنند. در عصر متأخر تدوین حدیث شیعه که در دوره صفویه و پس از آن روی می‌دهد، روایت دیگری به این مجموعه افزوده نمی‌شود ولی گزارش‌های مبالغه آمیزی برای نخستین بار مطرح می‌شوند.

این مطالعه نشان می‌دهد که آمارهای ارائه شده درباره زخم‌های پیکر حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، در آغاز به ندرت از حدود ۷۰ زخم فراتر می‌رود ولی در دوره دوم

تدوین حدیث شیعه، گزارش‌های ۳۶۰ زخم یا ۱۹۰۰ زخم و در دوره معاصر، گزارش ۴۱۸۰ زخم به مجموعه گزارش‌ها افزوده می‌شود. با این همه، احتمال شمارش زخم‌های امام حسین علیه السلام در فاصله کوتاه شهادت تا دواندن اسب بر پیکر آن حضرت علیه السلام، احتمالی غیرقابل توجه است و به نظر می‌رسد که آمار ارائه شده درباره پارگی لباس امام حسین علیه السلام نسبت به آمار زخم‌های پیکر ایشان، پذیرفتنی‌تر باشد. این آمار می‌تواند بر اساس شمارش پارگی‌های جَبَّه ایشان که احتمال می‌رود در زیر زره خود، آن را پوشیده بودند، به دست آمده باشد.

روایت متقدم شیخ مفید از لحظات پایانی امام حسین علیه السلام و تمثیل به کار رفته در این روایت، مؤید آن است که بیشتر زخم‌ها، هنگام گرفتاری ایشان در دسته تیراندازان اتفاق افتاده است. در این صورت، چنان‌چه از روایت متأخر سید بن طاووس مبنی بر ۱۸۰ پارگی جَبَّه صرف نظر کنیم، در میان سه گزارش ۴۰ پارگی جَبَّه از امام سجاده علیه السلام، ۶۳ پارگی جَبَّه از جابر جعفی از امام باقر علیه السلام و بیش از ۱۱۰ پارگی ثوب از ابن سعد، یکی را باید برگزید و دیگر گزارش‌ها را نادرست دانست. شایان توجه است که از نظر اعتبار سند، هر سه روایت باقی مانده، وضعیت یک‌سانی دارند و از این نظر نمی‌توان یکی را بر دیگری ترجیح داد.

پی‌نوشت‌ها

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۷۰، ج ۱۷، ص ۷۸.
۲. سید محمد باقر شریف القرشی و سید مرتضی عسکری، *الصحیح من سیرة الامام حسین*، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۲۰۰۹م؛ محمد صحتی سردودی، عاشورا پژوهی با رویکرد به تحریف شناسی تاریخ امام حسین، قم: خادم الرضا، ۱۳۸۴.
۳. محسن رنجبر، «واقعه عاشورا در آیینه آمار و ارقام»، تاریخ قیام و مقتل سیدالشهدا، زیر نظر مهدی پیشوایی، قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۸۹-۴۹۱.
۴. محمد محمدی ری شهری و همکاران، *شهادت نامه امام حسین بر پایه منابع معتبر برگرفته از دانشنامه امام حسین علیّه*، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۸۴-۲۸۵.
۵. وزارت آموزش و پرورش، موسوعه الحسین بن علی، تهران: دفتر نشر انتشارات کمک آموزشی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۶۳۹-۶۵۰.
۶. همان؛ جمعی از نویسندگان، *مجموعه مقالات همایش امام حسین*، تهران: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۱؛ محمد محمدی ری شهری، *دانشنامه امام حسین بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ*، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۸.
۷. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸هـ. ق، ج ۱۰، ص ۴۷۴.
۸. ابن شهر آشوب، *المناقب*، قم: علامه، ۱۳۷۹هـ. ق، ج ۳، ص ۲۵۷-۲۵۸.
۹. محمد باقر مجلسی، *بحار الأنوار*، تهران: اسلامیة، ۱۳۶۳، ج ۴۵، ص ۵۲-۵۳؛ عبدالله بحرانی، *العوالم*، قم: مدرسه الامام مهدی (عج)، ۱۴۰۷هـ. ق، ج ۱۷، ص ۲۹۵-۲۹۶.
۱۰. ملا آقا دربندی، *اکسیر العبادات فی اسرار الشهادت*، تحقیق شیخ محمد جمعه بادی و

عباس ملاحظیه الجمری، منامة: شركة المصطفى للخدمات الثقافية، ج ۳، ص ۲۴؛ محمد تقی سپهر،
ناسخ التواریخ، تهران: اساطیر، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۸۲.

۱۱. مؤمن بن حسن شبلنجی، نورالابصار فی مناقب آل البيت المختار، قم: رضی، بی تا،
ص ۲۶۸.

۱۲. احمد بن موسی بن طاووس حلی، زهرة الرياض و نزهة المرتاض، تحقیق محمد
حسینی نیشابوری، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲/۱۴۲۴ هـ. ق، ص ۹۳.

۱۳. احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ هـ. ق، ج ۳، ص ۲۰۳؛
محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، بیروت: اعلامی، بی تا، ج ۵، ص ۴۵۳؛ ابو الحسن علی
مسعودی، مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقیق اسعد داغر، چاپ دوم، قم: دارالهجره، ۱۴۰۹ هـ.
ق، ج ۳، ص ۶۲؛ ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت: دارالصادر، ۱۳۸۵ هـ. ق، ج ۴، ص ۷۹؛
نویری، نهاية الارب، قاهره: دارالکتب و الوثائق القومية، ۱۴۲۳ هـ. ق، ج ۲۰، ص ۴۶۰؛ ابومحمد
یافعی، مرآة الجنان و عبرة الیقظان، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۷ م، ج ۱، ص ۱۰۷؛ ابن کثیر،
البدایة و النهایة، بیروت: دارالفکر، بی تا، ج ۸، ص ۱۸۸؛ مقریزی، امتاع الاسماع، بیروت: دارالکتب
العلمیة، بی تا، ج ۵، ص ۳۴۶؛ ابن عماد، شذرات الذهب، تحقیق ارناؤوط، دمشق: دار ابن کثیر،
۱۴۰۶ هـ. ق/۱۹۸۶ م، ج ۱، ص ۲۷۴.

۱۴. شمس الدین ذهبی، سیر اعلام النبلاء، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ هـ. ق، ج ۲، ص ۲۰۳.

۱۵. قاضی نعمان مغربی، شرح الأخبار، تحقیق سید محمد حسینی جلالی، قم: مؤسسه النشر
الاسلامی، بی تا، ج ۳، ص ۱۶۴.

۱۶. ابوطالب یحیی بن حسین زیدی، الافادة فی تاریخ الائمة، تحقیق محمد یحیی سلمی عزان،
یمن: دارالحکمة الیمنیة، ۱۴۲۷ هـ. ق، ص ۶۰؛ ابوالحسن محلی، الحدائق الوردیة فی اخبار الزیدیة،

دمشق: دار اسامة، نوبت دوم، ۱۴۰۵هـ. ق، ج ۱، ص ۱۲۳.

۱۷. محمد بن جرير طبري شيعي، دلائل الامامة، قم: بعثت، ۱۴۱۳هـ. ق، ص ۱۷۸.

۱۸. موفق بن احمد خوارزمي، مقتل الحسين، قم: انوار الهدى، ۱۴۲۳هـ. ق، ج ۲، ص ۴۲؛ ابن

شهر آشوب، پيشين، ج ۳، ص ۲۵۷ - ۲۵۸؛ ابن جوزي، تذكرة الخواص، قم: رضی، ۱۴۱۸هـ. ق،

ص ۲۲۸؛ شرف الدين موصلي، النعيم المقيم، بی جا: مؤسسة الاعلمي، بی تا، ص ۱۰۳؛ ابن طاووس،

التهوف، تهران: جهان، ۱۳۴۸، ص ۱۲۹؛ جمال الدين عاملی، الدر النظيم في مناقب الائمة اللهايم،

قم: جامعه مدرسين، ۱۴۲۰هـ. ق، ص ۵۷۲؛ ابن نما حلي، مثير الأحران، نجف: المطبعة الحيدرية،

۱۳۶۹هـ. ق/ ۱۹۵۰م، ص ۷۱؛ شمس الدين باعوني، جواهر المطالب، قم: مجمع احياء الثقافة

الاسلامية، بی تا، ج ۲، ص ۲۹۰؛ كركي حائري، تسليية المجالس، قم: مؤسسة المعارف الاسلامية،

۱۴۱۸هـ. ق، ج ۲، ص ۳۲۰؛ قاضي نورالله تستري، إحقاق الحق، قم: مكتبة آية الله المرعشي

النجفي، ۱۴۰۹هـ. ق، ج ۱۱، ص ۵۲۶؛ سيد هاشم بحراني، حايية الابرار، قم: مؤسسة المعارف

الاسلامية، بی تا، ج ۴، ص ۲۱۹؛ همو، مدينة المعاجز، تحقيق مؤسسة المعارف الاسلامية باشراف

شيخ عزة الله مولايي، قم: مؤسسة المعارف الاسلامية، ۱۴۱۴هـ. ق، ج ۴، ص ۷۷؛ مجلسي، پيشين،

ج ۴۵، ص ۵۲؛ عبدالله بحراني، پيشين، ج ۱۷، ص ۲۹۵؛ دربندی، پيشين، ج ۳، ص ۲۴؛ محمد تقی

سيهر، پيشين، ج ۲، ص ۳۸۲.

۱۹. خوارزمي، پيشين، ج ۲، ص ۳۹.

۲۰. ابن طاووس، پيشين، ص ۷۱؛ ابن نما حلي، پيشين، ص ۵۵.

۲۱. مجلسي، پيشين، ج ۴۵، ص ۵۲ - ۵۳؛ سيد نعمت الله جزايري، رياض الأبرار، بيروت:

مؤسسة التاريخ العربي، ۱۴۲۷هـ. ق/ ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۲۲۹؛ عبدالله بحراني، پيشين، ج ۱۷،

ص ۲۹۵ - ۲۹۶؛ دربندی، پيشين، ج ۳، ص ۲۴؛ محمد تقی سيهر، پيشين، ج ۲، ص ۳۸۲.

۲۲. ملاحسین کاشفی، *روضه الشهداء*، تصحیح عقیقی بخشایشی، قم: دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۷۹، ص ۴۳۷.
۲۳. شیخ طوسی، *الامالی*، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ هـ. ق، ص ۶۷۶.
۲۴. مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۸۲؛ عبدالله بحرانی، پیشین، ج ۱۷، ص ۳۳۰.
۲۵. ابوالحسن علی علوی عمری، *المجدی فی انساب الطالبیین*، تحقیق احمد مهدوی دامغانی، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ هـ. ق، ص ۱۳.
۲۶. ابن عنبه، *عمدة الطالب فی نسب آل ابی طالب*، ریاض: مکتبه جل المعرفة و مکتبه التوبة، ۲۰۳۳ م، ص ۳۳۵.
۲۷. شیخ صدوق، *الامالی*، بی‌جا: کتابخانه اسلامی، بی‌تا، ص ۲۲۸.
۲۸. قاضی نعمان مغربی، پیشین، ج ۳، ص ۵۴۰ - ۵۴۱.
۲۹. فتال نیشابوری، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم: دلیل ما، ۱۴۲۳ هـ. ق، ج ۱، ص ۴۲۹؛ طبرسی، *تاج الموالید*، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۶، ق، ص ۳۱؛ ابن شهر آشوب، المناقب، پیشین، ج ۳، ص ۲۵۷ - ۲۵۸.
۳۰. کرکی حائری، پیشین، ج ۲، ص ۳۲۰؛ سید هاشم بحرانی، پیشین (حلیة الأبرار)، ج ۴، ص ۲۱۹؛ مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۵۲ - ۵۳؛ سید نعمت الله جزایری، پیشین، ج ۱، ص ۲۳۰؛ عبدالله بحرانی، پیشین، ج ۱۷، ص ۲۹۵ - ۲۹۶.
۳۱. دربندی، پیشین، ج ۳، ص ۲۴؛ محمد تقی سپهر، پیشین، ج ۲، ص ۳۸۲.
۳۲. نجاشی، *رجال نجاشی*، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ هـ. ق، ص ۳۳۸؛ حلی، *الخلاصه*، قم: مکتبه الرضی، ۱۳۸۱، ۱۵۴.

۳۳. درباره محمد بن عیسی ن.ک: شیخ طوسی، رجال الطوسی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۵هـ. ق، ص ۳۶۳؛ درباره محمد بن خالد برقی ن.ک: نجاشی، پیشین، ص ۳۳۵؛ شیخ طوسی، پیشین، ص ۳۶۳.

۳۴. درباره برید بن معاویه عجلای ن.ک: نجاشی، پیشین، ص ۱۱۲؛ ابن داوود حلی، رجال ابن داوود، تحقیق سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: منشورات مطبعة الحیدریة، ص ۶۷. درباره ابن بکیر ن.ک: کشی، رجال کشی، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸، ص ۳۷۵؛ درباره ابوالجارود ن.ک: نجاشی، پیشین، ص ۱۱۷؛ ابن غضائری، رجال ابن الغضائری، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۶۱؛ کشی، پیشین، ص ۲۲۹.

۳۵. سید عبدالله حسینی، بررسی و نقد منابع عاشورا، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۱.

36. Donald Venes, M.D(ed), Tabers Cyclopedic Medical Dictionary, 22th edition, F.A. Davis Company, 2013.

۳۷. زخم شمشیر بر خلاف زخم تیر یا نیزه با واحد طول سنجیده می شود و نه با واحد مساحت.

۳۸. ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۳، ص ۲۵۷ - ۲۵۸.

۳۹. مجلسی، پیشین، ج ۱۸، ص ۵۴۱. عبدالله بحرانی، پیشین، ج ۱۷، ص ۲۹۵ - ۲۹۶؛ دربندی،

پیشین، ج ۳، ص ۲۴؛ محمد تقی سیهر، پیشین، ج ۲، ص ۳۸۲.

۴۰. ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۳، ص ۲۵۷.

۴۱. کرکی حائری، پیشین، ج ۲، ص ۳۲۰؛ مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۵۲ - ۵۳؛ سید نعمت الله

جزایری، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۹؛ عبدالله بحرانی، پیشین، ج ۱۷، ص ۲۹۵ - ۲۹۶.

۴۲. محمد تقی سپهر، پیشین، ج ۲، ص ۳۸۲.
۴۳. دربندی، پیشین، ج ۳، ص ۲۴.
۴۴. مصطفی درایتی، فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۷۳۴.
۴۵. محمد باقر مجلسی، عین‌الحیات، تصحیح سید علی محمد رفیعی، تهران: قدیانی، ۱۳۸۲، ص ۳۰.
۴۶. طبری، پیشین، ج ۲، ص ۵۱۸؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تحقیق محمد علی بجاوی، بیروت: دارالجمیل، ۱۴۱۲هـ. ق/۱۹۹۲م، ج ۱، ص ۱۰۹.
۴۷. واقدی، المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت: اعلامی، ۱۴۰۹هـ. ق، ج ۲، ص ۷۶۱؛ ابن سعد، پیشین، ج ۴، ص ۲۸.
۴۸. ابوحنیفه دینوری، الاخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم: منشورات رضی، ۱۳۶۸، ص ۱۲۳.
۴۹. بلاذری، پیشین، ج ۳، ص ۲۰۴؛ طبری، پیشین، ج ۵، ص ۴۵۵؛ شیخ مفید، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۳؛ طبرسی، اعلام‌الوری، باعلام‌الهدی، قم: آل‌البیت، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۴۷۰.
۵۰. ابن طاووس، سعد السعود للنفوس منضود، قم: دارالذخائر، بی تا، ص ۱۳۶.
۵۱. سید محمد حسین حسینی جلالی، فهرس التراث، قم: دلیل ما، ۱۴۲۳هـ. ق، ج ۱، ص ۴۳۲.
۵۲. لیب بیضون، موسوعة کربلاء، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۲۷هـ. ق، ج ۲، ص ۱۸۰.
۵۳. ابن سعد، پیشین، ج ۱۰، ص ۴۷۴؛
۵۴. ابوطالب زیدی، پیشین، ص ۶۰؛ طبری شیعی، پیشین، ص ۱۷۸؛ خوارزمی، پیشین،

ج ۲، ص ۴۲؛ ابوالحسن محلی، پیشین، ج ۱، ص ۱۲۳؛ ابن نما حلی، پیشین، ص ۷۶؛ علی بن موسی بن طاووس حلی، اللهوف، پیشین، ص ۷۶؛ احمد بن موسی بن طاووس حلی، پیشین، ص ۹۳؛ جمال الدین عاملی، پیشین، ص ۵۷۲؛ مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۵۷ - ۵۸؛ عبدالله بحرانی، پیشین، ج ۱۷، ص ۳۰۰ - ۳۰۱؛ محمد تقی سپهر، پیشین، ج ۳، ص ۸.

۵۵. ابن جوزی، الرد علی المتعصب العنید، تحقیق محمد کاظم محمودی، بی جا: بی نا، ۱۴۰۳هـ. ق/ ۱۹۸۳م، ص ۳۹.

۵۶. قاضی نعمان مغربی، پیشین، ج ۳، ص ۱۶۴؛ ابوالحسن محلی، پیشین، ج ۱، ص ۱۲۳.

۵۷. زبیر بن بکار (۱۷۲-۲۵۶هـ. ق) یکی از نوادگان زبیر بن عوام، اخباری و صاحب آثار متعدد بود و عامر شعبی از تابعان و بزرگان حدیث عراق بود که ارتباط نزدیکی با پنجمین حاکم اموی، عبدالملک مروان (حک: ۶۵-۸۶هـ. ق) داشت.

۵۸. کلینی، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۵۲.

۵۹. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت، ۱۴۰۹هـ. ق، ج ۳، ص ۲۶۴ و ج ۴، ص ۳۶۴ - ۳۶۵؛ سید هاشم بحرانی، حلیه الأبرار، پیشین، ج ۴، ص ۲۱۹؛ مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۹۴؛ عبدالله بحرانی، پیشین، ج ۱۷، ص ۳۲۹-۳۳۰.

۶۰. به عنوان نمونه ن.ک: کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۵۱، ۷۴، ۱۶۰، ۲۸۸، ۳۶۰، ۶۰۱؛ شیخ طوسی، التهذیب، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷هـ. ق، ج ۱، ص ۴۲۷، ۴۴۲؛ همو، الاستبصار، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰هـ. ق، ج ۱، ص ۲۰۲، ص ۴۹۶ و ۴۷۱.

۶۱. درباره ابوعلی اشعری قمی ن.ک: نجاشی، پیشین، ص ۹۲؛ شیخ طوسی، الفهرست، نجف: المكتبة الرضویة، بی تا، ص ۷۱. درباره احمد بن نضر ن.ک: نجاشی، پیشین، ص ۹۸؛ ابن داوود، پیشین، ص ۲۰؛ درباره عمرو بن شمر ن.ک: نجاشی، پیشین، ص ۲۸۷. درباره جابر بن یزید جعفی

ن.ک: کشی، پیشین، ص ۱۹۹.

۶۲. قاضی نعمان مغربی، دعائم الإسلام، مصر: دارالمعارف، ۱۳۷۹ هـ. ق، ج ۲، ص ۱۵۴.

۶۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت،

۱۴۰۸ هـ. ق، ج ۳، ص ۲۰۴.

۶۴. همان.

۶۵. درباره قمیص و ثوب در دوره پیامبر ن.ک: صالح احمد العلی، المنسوجات و الالبسة

العربية فی العهود الاسلامیة الاولى، بیروت: شركة المطبوعات، ۲۰۰۳ م، ص ۱۹۴؛ رینهرت دزی،

فرهنگ البسه مسلمانان، ترجمه حسینعلی هروی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۵، ص ۱۰۱، ۳۴۹.

۶۶. درباره پیامبر ن.ک: بخاری، صحیح بخاری، بی‌جا: دارالفکر، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۷؛ درباره

حسین بن علی ن.ک: کلینی، پیشین، ج ۶، ص ۴۴۲، ۴۵۲؛ هـ. قاضی نعمان، (شرح الاخبار)،

پیشین، ج ۲، ص ۱۵۴؛ درباره امام علی بن حسین علیه السلام ن.ک: کلینی، پیشین، ج ۶، ص ۵۱۷؛ درباره

امام باقر علیه السلام ن.ک: کلینی، پیشین، ج ۳، ص ۲۰۷؛ درباره امام صادق علیه السلام ن.ک: کلینی، پیشین، ج ۶،

ص ۴۵۰؛ درباره امام رضا علیه السلام ن.ک: کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۳۲۲؛ درباره امام هادی علیه السلام ن.ک:

کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۹۹. برای اطلاعات بیشتر درباره تاریخ تحول جبه ن.ک: سوسن فرهنگی،

جبه، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی،

۱۳۸۴، ج ۹، ص ۶۳۵-۶۳۸.

۶۷. کلینی، پیشین، ج ۶، ص ۴۴۲.

۶۸. درباره مجاز بودن پوشیدن خز و پوست سنجاب ن.ک: محمد بن مکی عاملی، اللمعة

الدمشقیة فی الفقه الامامیة، تحقیق محمد تقی مروارید و اصغر مروارید، بی‌جا: بی‌نا، ص ۳۵.

۶۹. ابن سیده، المخصص، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۹؛ زمخشری، اساس

البلاغه، بیروت: دارالصادر، بی تا، ص ۱۹۲

70. Y.K. Stillman, "Libas", The Encyclopaedia of Islam (second ed), Leiden, Brill, 1986, Vol.5, p.733.

۷۱. شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ. ق،

ج ۲، ص ۱۱۲.

۷۲. فتال نیشابوری، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۷؛ فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی،

پیشین، ج ۱، ص ۴۶۹؛ همو، تاج الموالید، پیشین، ص ۸۶؛ جمال الدین عاملی، پیشین، ص ۵۵۸.

۷۳. ابن طاووس، پیشین، ۱۲۴-۱۲۶.